

میز گرد

بررسی فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان

۱۲ جدی/دی ۱۳۹۸



 www.aiss.af

 @AISS_Afg

 @AISSAfghanistan

AISS-R-020-2019

میزگرد

« بررسی فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان »

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

۱۲ جدی/دی ۱۳۹۸

به روز پنج‌شنبه، ۱۲ جدی ۱۳۹۸ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان میزگردی را تحت عنوان «**بررسی فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان**» برگزار کرد. هدف از برگزاری میزگرد، بررسی فعالیت‌های سازمان ملل در افغانستان در ۴۰ سال گذشته به‌ویژه بعد از سال ۲۰۰۱ بود. آقای محمود صیقل، نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل؛ دکتر داوود علی نجفی، وزیر پیشین ترانسپورت؛ مسعوده مهدی‌زاده، معاون برنامه‌های تعلیمات زراعتی دانشگاه ویخننگن؛ دکتر عبدالقیوم سجادی، عضو مجلس نمایندگان و تویی لینزر، مسوول اداره هماهنگ کننده کمک‌های بشری ملل متحد برای افغانستان از سخنرانان این میزگرد بودند. گرداندگی برنامه را ناصر صدیقی، پژوهشگر میهمان انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به عهده داشت.



در این میزگرد سخنرانان پیرامون ابعاد مختلف موضوع صحبت نموده است که نکات کلیدی سخنان آنها به شکل متن پیاده گردیده است.

محمود صیقل، نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل: ضمن سپاس‌گزاری از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، در مورد اهمیت سازمان ملل در جهان امروزی صحبت کرده و آن را یکی از دست‌آوردهای بزرگ بشر و پارلمان جهان خواند چون تمام کشورهای عضو پیرامون مسائل مختلف دیدگاه‌های متفاوت را مطرح می‌کنند. آقای صیقل افزود: نهادی بنام سازمان ملل هفتاد و پنج سال قبل از امروز توسط فاتحان جنگ جهانی دوم (آمریکا، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه و چین) طرح‌ریزی گردید و این کشورها از امتیازات ویژه برخوردار شدند که تمام آن‌ها عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل می‌باشند.

حق و تو دارند که باعث گفت‌وگوهای زیاد میان کشورهای عضو شده است بخاطریکه موضع‌گیری‌های پنج عضو شورای امنیت در صلح و ثبات دنیا نقش کلیدی دارد.



آقای صیقل نقش سازمان ملل در افغانستان در چهل سال گذشته را به پنج برهه زمانی تقسیم نمود.

- ۱- نقش ملل متحد بعد از تجاوز اتحاد جماهیر شوروی: اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان عضو دائم شورای امنیت ملل متحد بود و حق و تو داشت و در آن مانع تصمیم‌گیری‌های شورای امنیت در مورد اشغال افغانستان شد. بعد از عدم توافق در شورای امنیت، مسئله به مجمع عمومی سازمان ملل راجع شد و در جنوری ۱۹۸۰ جلسه‌ای پیرامون موضوع افغانستان برگزار شد که اکثریت کشورهای عضو، خواهان خروج فوری و بدن قید و شرط نیروی شوروی از افغانستان گردید چون فیصله‌های اجلاس عمومی الزامیت اجرایی ندارد، اما این تصمیم مجمع عمومی باعث گفت‌وگوها و مذاکرات بین کشورها در مورد مسئله افغانستان شد و در نتیجه دوازده دور مذاکرات در طی هفت سال منتج به موافقت‌نامه جینوا بین افغانستان و پاکستان با ضمانت آمریکا و شوروی شد. در این توافق‌نامه تاکید بالای خروج نیروهای شوروی بود تا راه‌حل برای برقراری صلح را در افغانستان جست‌وجو شود.
- ۲- نقش ملل متحد بعد از خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی: با خروج قشون سرخ، سازمان ملل تلاش کرد بخش‌های دیگر موافقت‌نامه تطبیق شود ولی طرح صلح عملی نبود چون مخالفت جدی جناح‌های درگیر روبه‌رو شد و بلاخره به ناکامی انجامید.
- ۳- نقش ملل متحد در زمان حکومت مجاهدین: بعد از سقوط داکتر نجیب و معضل مجاهدین، پاکستان تلاش کرد تا بحران افغانستان را یک موضوع درون کشوری جلوه دهد و شورای امنیت این مسئله را از حیطه صلاحیت‌های خود خارج می‌دانست ولی چین یکی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت که روابط نزدیک با پاکستان داشت در این زمینه نقش ایفا کرد که تا امروز همچنان ادامه دارد.
- ۴- نقش ملل متحد بعد از ظهور طالبان: جنایات طالبان بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل بخصوص بخش مسائل حقوق بشری آن جدی دنبال نشد اما اعتبار بین‌المللی حکومت اسلامی افغانستان توسط سازمان ملل

حفظ گردید و نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای مذاکره بین حکومت اسلامی افغانستان و طالبان تلاش‌هایی را انجام داد که مذاکره عشق آباد ۱۹۹۹ در کشور ترکمنستان محصول همین تلاش‌ها بود.

۵- نقش ملل متحد بعد از حادثه نهم و یازدهم سپتامبر تا امروز: حوادث نهم و یازدهم سپتامبر امنیت جهان و افغانستان را باهم گره زد و این بار سازمان ملل متحد قاطع‌تر عمل کرد، در آخر سال ۲۰۰۱ سازمان ملل میزبان مذاکرات بین‌افغانی بود که منجر به موافقت‌نامه بن شد، در مارچ ۲۰۰۲ شورای امنیت ملل متحد بر اساس تصویب یک قطع‌نامه نمایندگی یوناما در افغانستان ایجاد گردید و هدف اصلی از ایجاد آن تطبیق کامل مواد موافقت‌نامه بن بود که شامل نهادسازی و توسعه در افغانستان بود، در کنار آن، سازمان ملل بیش‌تر نقش هماهنگ‌کننده کمک‌های جهانی در افغانستان را ایفا کرد که ملل متحد چندین کنفرانس را با افغانستان میزبانی کرده است که آخرین آن نوامبر سال ۲۰۱۸ بود.

آقای صیقل در آخر گفت: قطعنامه یوناما هر سال تمدید می‌شود.



داکتر داوود علی نجفی، وزیر پیشین ترانسپورت ضمن اظهار قدردانی از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، سخنان‌اش را پیرامون نقش سازمان ملل متحد در انتخابات افغانستان آغاز کرد. وی نقش سازمان ملل در انتخابات افغانستان بعد از ۲۰۰۱ را به دو بخش تقسیم کرد.

بخش اول: نقش یوناما پس از امضای موافقه بن تا ختم اجندای این موافقتنامه که برگزاری اولین انتخابات پارلمانی کشور بود. و بخش دوم: نقش یوناما پس از تشکیل کمیسیون انتخابات افغانستان در مطابقت با قانون اساسی.

در بخش اول، من به عنوان کسی که از سال ۲۰۰۳ به عنوان کارمند و بعد از ماه می سال ۲۰۰۵ به عنوان «همتای بین‌المللی ریاست دارالانشاه دفتر مشترک تنظیم انتخابات» در انتخابات افغانستان کار نمودم، باورمند هستم که سازمان ملل متحد به رغم انتظارات زیاد مردم افغانستان از این نهاد، متأسفانه کارکرد چشم‌گیری در بخش انتخابات نداشته است. پس از توافق بن، دفتر مشترک تنظیم امور انتخابات، با همکاری مستقیم سازمان ملل متحد در افغانستان ایجاد گردید. این دفتر تا برگزاری اولین انتخابات پارلمانی به حیث مسوول درجه اول انتخابات افغانستان ایفای وظیفه نمود، و نقش مستقیم در امور تخنیک‌ی، عملیاتی، اجرایی و حتی استخدام کارمندان داشت.

بخش دوم: نقش یوناما در انتخابات پس از تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات، در این بخش اصل بر آن بود که یوناما نقش نظارتی، و همکاری تخنیکی، در روند انتخابات داشته باشد و مسئولین افغانستانی انتخابات را مدیریت نمایند؛ اما چون یوناما همیشه در انتخابات به صورت مستقیم نقش داشت، تلاش می‌کرد تا در کمیسیون مستقل انتخابات نیز اعمال نفوذ نموده و نقش بازی نماید.

انتقاد جدی من در آن زمان این بود که امکاناتی را که یوناما در امور انتخابات به صورت مقطعی مصرف می‌کند، باید در اختیار کمیسیون مستقل انتخابات گذاشته شود، تا زیربنای اساسی انتخابات تنظیم و آماده گردد. به عنوان مثال، یکی از طرح‌های آن زمان دفتر ملل متحد (یوناما) در بخش ثبت هویت افراد، استفاده از کارت ثبت نام رای‌دهندگان بود که هیچ دیتابیس مرکزی و چارچوب ارزیابی تخنیکی برای تثبیت هویت افراد نداشت. کمیسیون انتخابات بعد از انتخابات پارلمانی و قبل از برگزاری دومین انتخابات ریاست جمهوری، در همکاری با وزارت داخله پروژه آزمایشی ثبت بایومتریک رای‌دهندگان و تذکره الکترونیکی را در برخی ولایات راه اندازی نمود. نتایج آن را در وزارت امور خارجه با حضور مسئولین نمایندگی سازمان ملل متحد و دوزنها من شخصا شریک ساختم و تاکید کردم که ما برای شفافیت در پروسه انتخابات نیازمند سیستم ثبت بایومتریک رای‌دهندگان در یک دیتابیس مرکزی برای تثبیت و شناسایی هویت افراد رای‌دهنده هستیم تا با استفاده از آن، جلوگیری از تقلب‌های سازمان یافته مسدود شود. اکثر اشتراک‌کننده‌گان آن را تایید نمودند. تنها کشوری که با این طرح نظر مخالف داشت، ایالات متحده آمریکا بود. بالاخره این طرح اجرا نگردید و متأسفانه مشکلات ثبت نام رای‌دهندگان در انتخابات افغانستان باقی مانده و می‌توانیم های تضمین‌کننده شفافیت در آن هم‌چنان نادیده گرفته شده است.



مسعوده مهدی زاده، معاون برنامه‌های تعلیمات زراعتی دانشگاه ویخننگن از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای برگزاری میزگرد تشکری کرد و گفت: افغانستان در سال ۱۹۴۶ عضو سازمان ملل متحد شد و بعد از آن سازمان ملل در قضایای افغانستان نقش مهم بازی کرده است که بطور مثال از کنفرانس صلح جینوا در سال ۱۹۸۸ که به خروج نیروهای شوروی از افغانستان شد، می‌توان نامبرد. وی ادامه داد: سازمان ملل بعد از سقوط طالبان افغانستان را در عرصه‌های مختلف از قربانیان

جنگ گرفته تا مسائل انکشافی افغانستان را کمک و یاری رسانیده است. در حال حاضر سازمان ملل در انکشاف و خدمات اجتماعی، تعلیم و تربیه و حکومت‌داری نقش مهم در کشور دارد. وی هم‌چنین پیرامون نقش سازمان ملل متحد در عرصه سیاسی بعد از سقوط رژیم طالبان صحبت کرد که نمونه بارز آن کنفرانس بن در دسامبر ۲۰۰۱ بود که منجر به حکومت جدید در افغانستان شد. به باور خانم مهدی‌زاده، بعد از توافق صلح و تحکیم ثبات در افغانستان سازمان ملل در افغانستان به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد.

خانم مسعوده، در مورد چالش‌هایی که سازمان ملل در ایجاد یک سازمان متحد با هدف تحکیم مأموریت آژانس‌های مختلف سازمان ملل در افغانستان رو به‌رو است، صحبت کرد. وی گفت که یکی دیگر از چالش‌هایی که سازمان ملل در افغانستان با آن رو به روست مالک پروژه‌هایی است که با همکاری دولت افغانستان اجرا می‌شود.

دکتر عبدالقیوم سجادی، نماینده مجلس نمایندگان از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای فراهم‌سازی زمینه بحث پیرامون چنین مباحث تشکری کرد. وی صحبت‌های خود را در باره فلسفه وجودی سازمان‌های بین‌المللی منجمله سازمان ملل متحد آغاز کرده و گفت در باره چیستی سازمان‌ها سه تئوری بسیار عمده مطرح می‌باشد.

۱- تئوری لیبرالیستی: با نگاه خوش‌بینانه سازمان ملل متحد را مکانی برای همکاری دسته‌جمعی برای تامین امنیت، صلح، رفاه و توسعه جهانی با دیدگاه مثبت تحلیل می‌کند و عملکرد این نهاد را مثبت ارزیابی می‌کند.

۲- تئوری مارکسیستی: با نگاه بدبینانه سازمان‌های بین‌المللی و ملل متحد را ابزار دست قدرت‌های بزرگ و قدرت هژمونی می‌داند

۳- تئوری میانه: که اغلب کشورهای جهان سوم در چاچوپ آن تحلیل می‌شود، به باور این‌ها سازمان‌های جهانی تحت تاثیر قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد و در برخی موارد ابزار گفتمان حاکم انجام وظیفه می‌کند و در بعضی موارد این سازمان‌ها به گونه‌ای مثبت و بی‌طرفانه برای تامین صلح، امنیت جهانی، حقوق شهروندی و دموکراسی سازی تلاش می‌کنند.

به گفته آقای سجادی، هرگاه با نگاه مارکسیستی به پرسش‌ها پاسخ ارائه نماییم، سازمان ملل متحد پاسخ‌گو به کدام مرجعی نیست و تنها حساب‌ده به قدرت هژمون و برتر است چون پول در اختیار این سازمان قرار می‌دهد. در نگاه لیبرالیستی و خوش‌بینانه کاملاً می‌توان انتظار داشت که سازمان‌های جهانی و ملل متحد در افغانستان بی‌طرفانه عمل نماید و پاسخ‌گو باشد. وی ادامه داد، با دیدگاه جهان سومی که افغانستان نیز شامل آن می‌شود، باید انتظار رفتار غیرجانبدارانه و میکانیزم نظارتی بر رفتار نمایندگی ملل متحد در افغانستان به‌صورت کامل انتظار آرمان‌گرایانه می‌باشد اما از جانب دیگر با توجه به اینکه منابع مشترک وجود دارد، می‌توان به شکل نسبی تعریف شیوه نظارتی را برای سازمان‌های جهانی از جمله یوناما در افغانستان مطرح کرد.

دکتر سجادی علاوه کرد، در اینجا دو پرسش مطرح می‌شود: چگونه می‌توانیم یک میکانیزم نظارتی قوی را مطرح نماییم که سازمان ملل متحد، دولت مافوق دولت‌ها نباشد و به عنوان یک ابر دولت عمل نکند و حاکمیت ملی دولت‌ها را به رسمیت بشناسد؟ و دوم، چگونه این سازمان را می‌توانیم مجبور نماییم تا در برنامه‌ها و اقدامات خود به گونه‌ی بی‌طرفانه عمل نماید؟ آقای سجادی علاوه کرد، پاسخ پرسش‌های مطرح شده در دو حوزه قابل بحث است. نخست، در حوزه ارائه خدمات اجتماعی، انکشاف و توسعه امکان تعریف نظارتی و توصیه سیاست بی‌طرفی وجود دارد اما در عرصه سیاسی متاسفانه توصیه سیاست بی‌طرفی برای ملل متحد در عمل با مشکل روبه‌رو خواهد شد. بخش سیاسی در فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از ماده

۳۹ تا ۵۲ ملل متحد است که سازمان ملل متحد و به‌خصوص شورای امنیت خود را مکلف به تامین صلح و امنیت جهانی و حمایت از غیرنظامیان، تامین حقوق شهروندی و جلوگیری از تروریزم تعریف می‌کند. به گفته آقای سجادی در بخش تعریف سیاست بی‌طرفانه برای سازمان ملل با مشکل جدی مواجه است، چون در شرایط امروزی تعریف جامع و مشترک از تروریزم و تهدات مشترک وجود ندارد.

سخنران آخر برنامه آقای توبی لینزر، مسوول اداره هماهنگ کننده کمک‌های بشری ملل متحد برای افغانستان بود. وی ضمن اظهار قدردانی از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای برگزاری برنامه، گفت: من فرصت دیدار از بیست‌ودو ولایت افغانستان را داشتم، در جریان اقامت در ولایات با اقشار مختلف مردم از جوانان و اعضای جامعه مدنی گرفته تا تاجران صحبت کردم و از آنها یک پرسش مطرح می‌کردم که سوال گمراه‌کننده‌ای به نظر می‌رسید و آن سوال این است (چگونه می‌گذرد؟). و در جریان گفت‌وگو پرسش دو را مطرح می‌کردم که امروز با پنج یا ده سال گذشته چه تغییر کرده است؟. به گفته آقای لینزر، مردم شرایط امروزی را نسبت به ده سال قبل ترجیح می‌دهد و فکر می‌کنند کشور در شرایط بهتر قرار دارد اما بدین معنا نیست که مردم در تمام موضوعات خوش‌بین هستند، مردم در مورد امنیت نگران هستند، برخلاف توافق بن و برخی نظریات، افغانستان جنگ و منازعه جریان دارد و برای چندین سال جامعه جهانی این مسئله را نادیده گرفت بلاخره در اگست ۲۰۱۷ سرممنشی فعلی ملل متحد گفت: به نظر من در شرایط منازعه پس از بن قرار ندارد بلکه در کشور جنگ جریان دارد و مردم افغانستان با مشلات زیاد روبه‌رو است که نبود امنیت و صلح چالش‌های زیادی را خلق کرده است اما خوشبختانه از دو سال به این طرف تلاش‌های پیگیر برای برقراری صلح جریان دارد.



به باور آقای لینزر، گفت‌وگوهای یک کشور با طالبان در کشور سومی به صلح در افغانستان نمی‌انجامد بلکه این مذاکرات بین‌افغانی است که باعث صلح پایدار در افغانستان خواهد شد. مذاکرات صلح باید توسط افغان‌ها رهبری شود، در هیت مذاکره کننده افغانی باید متشکل از زنان، احزاب سیاسی، ادیان و مذاهب مختلف و تمام اقشار جامعه باشد. آقای لیزر ادامه داد، در

ابتدا ممکن دو طرف مذاکره‌کننده بالای موضوعات مورد بحث اختلاف داشته باشند و شاید یک یا دو سال نیاز باشد تا بالای موضوعات اختلافی بحث کنند و در نهایت به توافق برسند و این یک امر طبیعی است. لذا برای رسیدن به یک صلح پایدار باید تمام اقشار جامعه در گفت‌وگوها شریک باشند و توافق بالای آن زمان گیر خواهد بود. بعد از توافق صلح و تحکیم صلح در افغانستان، کشور در عرصه‌های مختلف پیشرفت خواهد و دیگر نیازمند کمک آنچنانی یونوما خواهید بود تا روی پروژه‌های زراعت در بدخشان کار کند چون بعد از برقراری صلح سرمایه‌گذاری خارجی بیش‌تر خواهد شد و مردمان زیاد صاحب شغل خواهند شد و امیدوارم این اتفاق بیفتد.

آقای لینزر در مورد نقش سازمان ملل متحد گفت: هیچ سازمان و در هیچ مکانی ادعای کامل بودن را ندارد و این یوناما را نیز دربر می‌گیرد اما سازمان ملل متعهد است که تلاش نهایی خود را برای بهبود وضعیت افغان‌ها انجام دهد، کاری که ما در بیست‌ویک سال اخیر انجام دادیم. باید بگویم سازمان ملل در تمام موارد در افغانستان کامیاب نبوده است اما در بعضی عرصه‌ها دیگر موفق بوده است. وی گفت: بعضی نواقص در مورد کمیسیون‌های انتخاباتی و دیگر نهادها درست ولی نمی‌توان همه موارد که در بیست سال اخیر ساخته شده است را نادیده گرفت، نهادهای انتخاباتی هنوز نیاز به کار و زمان بیش‌تر دارند تا به یک نهاد با تمام ویژگی‌ها تبدیل شود، آنها هنوز قادر نیستند که نتیجه انتخابات را در یک شب اعلان نمایند. ولی آنها حالا سخت تلاش می‌کنند تا یک نتیجه شفاف برای انتخابات ریاست جمهوری را به مردم اعلان نمایند.

در پایان برنامه اشتراک‌کننده‌گان برنامه سوالاتی را از میهمانان نیز مطرح کردند.

